

فردریک چارلز کاپلستون

# تاریخ فلسفه

جلد نهم

از من دو بیران تا سارتر

مترجمان

عبدالحسین آذرنگ: بخش اول و دوم

سید محمود یوسف ثانی: بخش سوم



۱۳۹۶

## فهرست مطالب

بخش یکم: از انقلاب تا اوگوست کنت.....	۱
فصل یکم - واکنش سنت‌گرایانه در برابر انقلاب.....	۳
۱. اشارات مقدماتی.....	۳
۲. دومستر.....	۴
۳. دوبونال.....	۸
۴. شاتوپریان.....	۱۳
۵. لامنه.....	۱۵
۶. سنت‌گرایی و کلیسا.....	۲۰
فصل دوم - آرمان‌شناسان و مین دوبیران.....	۲۵
۱. آرمان‌شناسان.....	۲۵
۲. مین دوبیران: زندگی و آثار.....	۲۸
۳. تکامل فلسفی.....	۳۰
۴. روانشناسی و معرفت.....	۳۵
۵. مراتب زندگی انسان.....	۴۰

**فصل سوم - التقاط‌گرایی..... ۴۷**

۱. برچسب..... ۴۷
۲. روایت - کولار..... ۵۰
۳. کوزن..... ۵۳
۴. ژوفروا..... ۵۹

**فصل چهارم - فلسفه اجتماعی در فرانسه..... ۶۳**

۱. اشارات کلی..... ۶۳
۲. آرمانگرایی فوریه..... ۶۵
۳. سن سیمون و تکامل جامعه..... ۶۸
۴. پرودون، آنارشیسیم و سندیکالیسم..... ۷۸
۵. نظر مارکس درباره سوسیالیستهای فرانسوی..... ۸۵

**فصل پنجم - اوگوست کنت..... ۸۹**

۱. زندگی و آثار..... ۸۹
۲. سه مرحله در تکامل انسانی..... ۹۲
۳. رده‌بندی و روش‌شناسی علوم..... ۱۰۰
۴. وظایف فیلسوف در دوره تحصیلی..... ۱۰۳
۵. علم‌الانسان؛ آمار اجتماعی و پویایی اجتماعی..... ۱۰۵
۶. هستی بزرگ و دین انسانیت..... ۱۱۲

**بخش دوم: از اوگوست کنت تا هانری برگسون..... ۱۱۷****فصل ششم - فلسفه تحصیلی در فرانسه..... ۱۱۹**

۱. امیل لیتره و انتقادش از اوگوست کنت..... ۱۱۹
۲. کلود برنار و روش تجربی..... ۱۲۵
۳. ارنست رنان: فلسفه تحصیلی و دین..... ۱۲۸
۴. آدولف تن و امکانات مابعدالطبیعه..... ۱۳۳

۵. امیل دورکم و تکامل جامعه‌شناسی..... ۱۴۱
۶. لوی - برول و اخلاقیات..... ۱۵۴

**فصل هفتم - روش جدید نقادی و ذهنی‌گرایی..... ۱۵۷**

۱. کورنو و تحقیق در مفاهیم اساسی..... ۱۵۷
۲. روش جدید نقادی و شخصی‌گرایی رنویه..... ۱۶۴
۳. آملن و مابعدالطبیعه ذهنی‌گرا..... ۱۷۲
۴. برونشویگ و تأمل ذهن در کار خود..... ۱۷۷

**فصل هشتم - جنبش روح‌باوری..... ۱۸۳**

۱. اصطلاح روح‌باوری..... ۱۸۳
۲. فلسفه زاوسون..... ۱۸۴
۳. لاشلیه و مبانی استقراء..... ۱۸۸
۴. بوترو و حدوث..... ۱۹۵
۵. فویه و تصوّر نیرو..... ۲۰۲
۶. گویو و فلسفه زندگی..... ۲۰۵

**فصل نهم - هانری برگسون (۱)..... ۲۱۱**

۱. زندگی و آثار..... ۲۱۱
۲. تصوّر برگسون از فلسفه..... ۲۱۳
۳. زمان و آزادی..... ۲۲۰
۴. حافظه و ادراک: رابطه بین روح و ماده..... ۲۲۴
۵. غریزه، هوش، و شهود بر مبنای نظریه تطوّر..... ۲۲۹

**فصل دهم - هانری برگسون (۲)..... ۲۳۹**

۱. اشارات مقدماتی..... ۲۳۹
۲. اخلاق بسته..... ۲۴۱

**فصل چهاردهم - فلسفه ارزش، مابعدالطبیعه مذهب اصالت شخص..... ۳۴۷**

۱. ملاحظات کلی..... ۳۴۷
۲. رمون پولن..... ۳۵۰
۳. فلسفه ارزش: رنه لوسن و فلسفه روح..... ۳۵۴
۴. رمون رویه و ژان پوسل..... ۳۶۱
۵. لوئی لاول و فلسفه عمل..... ۳۶۴
۶. امانوئل مونیه و مذهب اصالت وجود شخص..... ۳۶۸

**فصل پانزدهم - دو متفکر دینی..... ۳۷۷**

۱. تیار دو شاردن..... ۳۷۷
۲. گابریل مارسل..... ۳۸۸
۳. تفاوت دیدگاهها..... ۳۹۹

**فصل شانزدهم - اگزستانسیالیسم سارتر (۱)..... ۴۰۳**

۱. زندگی و آثار..... ۴۰۳
۲. آگاهی ماقبل تأملی و تأملی: آگاهی تخیلی و عاطفی..... ۴۰۶
۳. هستی‌پدیداری و هستی فی‌نفسه..... ۴۱۳
۴. هستی فی‌نفسه..... ۴۱۷
۵. اختیار هستی لفسه..... ۴۲۰
۶. آگاهی از دیگران..... ۴۲۷
۷. الحاد و [مسئله] ارزشها..... ۴۳۱

**فصل هفدهم - اگزستانسیالیسم سارتر (۲)..... ۴۳۷**

۱. سارتر و مارکسیسم..... ۴۳۷
۲. مقاصد [کتاب] نقد..... ۴۴۲
۳. پراکسیس فردی..... ۴۴۷
۴. ضد دیالکتیک و سلطه عمل لخت..... ۴۵۰

۳. اخلاق باز: تفسیر دو نوع اخلاق..... ۲۴۴
۴. مذهب ایستا به منزله دفاعی در برابر قدرت گدازنده عقل..... ۲۴۷
۵. مذهب پویا و عرفان..... ۲۴۹
۶. اظهارنظرها..... ۲۵۱

**بخشی سوم: از برگسون تا سارتر..... ۲۵۵****فصل یازدهم - فلسفه و دفاعیات دینی در مسیحیت..... ۲۵۷**

۱. اوله لاپرون و یقین اخلاقی..... ۲۵۷
۲. بلوندل و حلول..... ۲۶۴
۳. لاپروتونیر و فلسفه مسیحی..... ۲۸۱
۴. ملاحظاتی درباره مدرنیسم..... ۲۹۱

**فصل دوازدهم - توماس گرایبی در فرانسه..... ۲۹۷**

۱. ملاحظات مقدماتی؛ دزیره ژوزف مرسیه (۱۸۵۱ - ۱۹۲۶)..... ۲۹۷
۲. گاریگولاگرانژ و سیرتیلانژ..... ۳۰۱
۳. ژاک ماریتن..... ۳۰۲
۴. اتین ژیلسون..... ۳۱۰
۵. پیر روسلو و اِمه فوره..... ۳۱۴
۶. ژوزف مارشال..... ۳۱۵

**فصل سیزدهم - فلسفه علم..... ۳۲۱**

۱. هانری پوانکاره..... ۳۲۱
۲. پیر دوئم..... ۳۲۶
۳. گاستون میلو..... ۳۲۹
۴. امیل میرسون..... ۳۳۱
۵. آندره لالاند..... ۳۳۸
۶. گاستون باشلار..... ۳۴۲

۴۵۲	.....	۵. گروه و تقدیر آن
۴۵۵	.....	۶. اشارات انتقادی
<b>فصل هجدهم - پدیدارشناسی مرلوپونتی</b>		
۴۶۳	.....	۱. آبر کامو: پوچی و فلسفه عصیان
۴۷۱	.....	۲. مرلوپونتی: جسم - فاعل شناسایی و جهانش
۴۸۷	.....	۳. مرلوپونتی و مارکسیسم
۴۸۸	.....	۴. لوی استروس و انسان
۴۹۵	.....	کتابشناسی مختصر
۵۴۵	.....	نمایه موضوعی

## بخش یکم

### از انقلاب تا اوگوست کنت

## فصل یکم

### واکنش سنت‌گرایانه در برابر انقلاب

#### ۱. اشارات مقدماتی

از نظر ما انقلاب فرانسه رویدادی تاریخی است؛ می‌توان علت‌ها و توسعه و آثار آن را به‌طرزی بیطرفانه بررسی کرد. پیداست که در آن عصر داوری‌ها همراه با عواطف شدید و غالباً متأثر از آن‌ها بود. در نظر بسیاری از مردم طبیعتاً انقلاب نه تنها به عنوان انقلاب آزادی‌بخش ملی و به سان نیرویی جلوه می‌کرد که جان تازه‌ای در جامعه فرانسه می‌دمید، بلکه در عین حال به صورت جنبشی به نظر می‌آمد که می‌خواست برای سایر ملت‌ها نیز روشنی و آزادی ارمغان آورد. البته ممکن بود بر دوره وحشت تأسف بخورند یا شاید با دیده اغماض بدان بنگرند؛ اما آرمان‌های انقلاب به عنوان اثبات آزادی انسان و گاه به منزله گسترش دامنه اصلاح دینی به حوزه‌های سیاسی و اجتماعی که مدتها انتظار آن را داشتند با تأیید و استقبال روبه‌رو شد. با این حال، طبیعتاً به همین نسبت کسان دیگری بودند که انقلاب به نظر آن‌ها به منزله رویداد مصیبت‌باری بود که تهدیدی برای مبانی جامعه بود: فردگرایی هرج و مرج طلبانه را جانشین ثبات اجتماعی ساخت، ویرانگر لاقید سنت‌های فرانسه بود و بنیاد دینی اخلاق، آموزش و همبستگی اجتماعی

را تحت عنوان ملاحظاتی درباره فرانسه<sup>۱</sup> (۱۷۹۶) نوشت. روزگاری تمایلات آزادی‌خواهانه داشت، اما مخالفتش را با انقلاب و آرزویش را برای بازگشت سلطنت فرانسه در این کتاب آشکار ساخت.

دومستر در ۱۸۰۲ به وزیر مختاری شاه ساردنی در دربار روسیه در سن پترزبورگ منصوب شد. چهارده سال در روسیه ماند و در همان جا بود که رساله درباره اصل پدیدآور قوانین سیاسی<sup>۲</sup> (۱۸۱۴) را نوشت. در ضمن، به تصنیف اثرش به نام درباره پاپ<sup>۳</sup> که در تورن پایان یافت و در ۱۸۱۹ منتشر شد، و عصرهای سن پترزبورگ<sup>۴</sup> که در ۱۸۲۱ انتشار یافت مشغول بود. کتاب بررسی فلسفه یکن<sup>۵</sup> او پس از مرگش در ۱۸۳۶ منتشر شد.

دومستر در سال‌های جوانی به محفلی ماسونی در شهر لیون پیوسته بود که از اندیشه‌های لویی-کلود دو سن مارتن<sup>۶</sup> (۱۷۴۳-۱۸۰۳) تا حدی الهام گرفته بود و خود سن مارتن نیز تحت تأثیر نوشته‌های یاکوب بومه<sup>۷</sup> بود.<sup>۸</sup> محفلی که گفتیم با فلسفه روشنگری مخالف بود و به آرای مابعدالطبیعی و عرفانی که بیان‌کننده آمیزه‌ای از معتقدات مسیحی و نوافلاطونی بود روی آورد. سن مارتن آشکار شدن مشیت خداوند را در تاریخ می‌دید. تاریخ از نظر او سیر مداومی بود که از هر حیث به خدا، یعنی به احد، اتصال داشت.

شاید که آشکار بودن برخی از بازتاب‌ها به هر عنوان در کتاب ملاحظاتی درباره فرانسه نوشته دومستر، بی دلیل نباشد. راست است که از انقلاب، اعدام شاه، حمله به کلیسا و حکومت وحشت متوحش است، اما برداشت او از تاریخ در عین حال در مسیری است که ارزیابی آن از انقلاب کاملاً منفی است. رویسپیر و سایر رهبران انقلاب رازدل و جانی می‌داند، اما با این حال به آن‌ها به عنوان آلت بلااراده مشیت الهی نگاه می‌کند. > مردم در عین حال به اختیار و به ضرورت عمل می‌کنند <.<sup>۹</sup> طوری عمل می‌کنند که گویی

1. *Considérations sur la France*

2. *Essai sur le Principe générateur des constitutions politiques*

3. *Du Pape*

5. *Examen de la philosophie de Bacon*

7. Jakob Boehme

4. *Soirées de Saint-Petersbourg*

6. Louis-Claude de Saint-Martin

۸ — متن انگلیسی جلد سوم همین تاریخ فلسفه، ص ۲۷۰-۲۷۲.

9. *Considération sur la France* (Brussels, 1838), P.2.

را طرد کرد. پیداست که انگیزه‌های خودخواهانه تا اندازه زیادی ممکن بود پشتیبان دشمنی با انقلاب باشد؛ اما اگر چنین بود می‌توانست دشمنی را تقویت کند. و همان طور که آرمانگرایی می‌توانست تقویت‌کننده جبهه انقلاب باشد، پس امکان داشت با روحیه انقلابی، که به خصلت ویرانگر و بی‌دینانه خود اعتقاد صادقانه‌ای ابراز می‌داشت، ضدیتی وجود داشته باشد.

کسانی که به سنت‌گرا<sup>۱</sup> موسوم شده‌اند، در عرصه فلسفی ضدیت اندیشیده‌ای با انقلاب نشان دادند. موافقان و مخالفان انقلاب هر دو تمایل داشتند که انقلاب را به سان ثمره روشنگری<sup>۲</sup> بینگارند، هرچند که ارزیابی‌هایشان از روشنگری و نگرششان درباره روشنگری بوضوح اختلاف بارز داشت. البته رد کردن سنت‌گرایان به عنوان واپسگرایان افسوسگین به حال گذشته و غافل از حرکت تاریخ<sup>۳</sup> کار ساده‌ای است. اما اگرچه ممکن است آن‌ها از جهات خاصی کوتاه‌بین بوده باشند، نویسندگان برجسته و مؤثری بوده‌اند و با توجه به تفکر فرانسوی در نخستین دهه‌های سده نوزدهم بسادگی نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت.

## ۲. دومستر

نخستین نویسنده‌ای که باید از او یاد کرد، سلطنت‌طلب مشهور و پیرو حکومت جهانی پاپ، کنت ژوزف دومستر<sup>۴</sup> (۱۷۵۳-۱۸۲۱) است. در شامبری<sup>۵</sup> واقع در ولایت ساووا<sup>۶</sup> به دنیا آمد، در تورن<sup>۷</sup> در رشته حقوق تحصیل کرد و سناتور ساووا شد. فرانسوی‌ها که به کشورش حمله کردند، نخست به آئوستا<sup>۸</sup> و سپس به لوزان پناه برد و در همین جا کتابش

### 1. Traditionalists

### 2. Enlightenment

۳. این عبارت ایهام دارد. اگر حرکت تاریخ به معنای توالی رویدادها باشد، پیداست که سنت‌گرایان از آن غافل نبوده‌اند. اگر عبارت متضمن این معنی باشد که تغییر و پیشرفت (به معنی ارزشی آن) کلماتی مترادفند این همانندی مبتنی بر پیش‌فرض فلسفه تاریخی است که بسادگی نمی‌توان آن را مسلم دانست. هرچند که بدون تردید ممکن است نتوان این واقعیت را فهمید که ظهور نیروها و اندیشه‌های تازه از بازگشت و تجدید موفقیت‌آمیز ساختی که پیش از آن وجود داشته است جلوگیری می‌کند.

4. Count Joseph de Maistre

6. Savoy

8. Aosta

5. Chambéry

7. Turin